

دامنه حجیت احادیث تفسیری

محمد احسانی فر لنگرودی*

چکیده

از نکاتی که این مقاله نمایان می‌سازد: ۱. هر گزاره تفسیری نیاز به حجّت قطعی و یا حجّتی معتبر و مبتنی بر دلیلی قطعی دارد؛ ۲. احادیث وجدانی (؛ مفید علم یا اطمینان) و احادیث معتبر عقلایی (؛ مفید وثوق نوعی) هم در حیثیت تعبّدی و عملی، و هم در حیثیت واقعی و تفسیری آیات، حجّت‌اند؛ ۳. طیف احادیث غیر مورد وثوق، ولی مشمول توسعه تعبّدی سیره عقلاً در حجّیت خبر، تنها در حیثیت تعبّدی و عملی آیات حجّت‌اند؛ ۴. با وجود نیاز هر دو طیف اخبار (عقلایی و مشمول توسعه تعبّدی) به تأمین اعتبار از سوی شرع، راز این تفصیل در دامنه حجّیت آنها، در سه نقطه نهفته است: الف) تعریف تفسیر و ماهیت واقعی آن، ب) وجود مسامی کشف و انکشاف واقعی در خبرهای معتبر عقلایی، ج) نبود چنین میزانی از انکشاف و دلالت در احادیث توسعه تعبّدی؛ ۶. در حجّیت احادیث عقلایی، تفصیل بین گزاره‌های علمی و عملی، روا نیست؛ لیکن پیدایش وثوق به صدور و یا تحقق شرط حجّیت ظهور در گزاره‌های مختلف، عملاً تابع میزان اهمّیت و خطیر بودن آنهاست؛ ۷. بررسی فواید احادیث تفسیری نامعتبر؛ ۸. حالات تعارض احادیث تفسیری با کتاب و سنت و قواعد حلّ تعارض؛ و...

کلید واژه‌ها: حجّیت احادیث تفسیری، مبانی حجّیت احادیث، دامنه حجّیت احادیث تفسیری، گروه احادیث معتبر عقلایی، توسعه تعبّدی سیره، فواید احادیث ضعیف، تعارض حدیث تفسیری با کتاب و سنت.

درآمد

عالمان دینی، در دامنه حجّیت احادیث تفسیری، دچار اختلاف‌اند؛ زیرا:

الف. برخی با محدود ساختن حجّیت خبر به اخبار مورد وثوق، خیر ثقه را، جز در موارد موجب وثوق، حجّت نمی‌دانند. از این رو، این گروه، خبر غیر مورد وثوق را حتّی در گزاره‌های تعبّدی نیز حجّت نمی‌شمارند.

اما کسانی که ادّله تعبّد به خبر ثقه را - تا وقتی که به حدّ تُهّمه تنزّل نیابد - حتّی اگر موجب وثوق وجدانی به مفادش هم نشود، می‌پذیرند، خود در دامنه حجّیت، دچار اختلاف‌اند؛ زیرا:

* استادیار دانشکده علوم حدیث و مدیر گروه تفسیر پژوهشکده علوم و معارف حدیث.

ب. برخی بر این باورند که گزاره‌های غیر تعبدی، اعم از تفسیری و کلامی و...، جز با مستند قطعی و مفید قطع جازم، قابل اثبات نیستند.

ج. برخی نیز بر این عقیده‌اند که سیره عقلا و دیگر ادله تعبد به خبر ثقه و مانند آن، احادیث را در گزاره‌های تفسیری، همانند گزاره‌های فقهی تعبدی، اعتبار می‌بخشند.^۱

د. برخی نیز، بر اساس نظریه توسعه تعبدی سیره عقلا در حجیت خبر، از مبنای مورد تحقیق در این مقاله پیروی کرده، معتقدند که حجیت خبر ثقه، مخصوص حوزه‌های تعبد برداری چون ثقه است؛ زیرا گزاره‌های غیر تعبدی، اعم از تفسیری و کلامی و غیره، جز با دلیل مفید وثوق و اعتماد وجدانی قابل اثبات نیستند. این وثوق وجدانی تنها با دلایل موجب قطع، اطمینان و یا وثوق نوعی پیدا می‌شود، نه با خبری که ادله توسعه تعبدی ما را متعبد به آن ساخته باشد. پس خبر موجب وثوق هم در حوزه فقه حجیت دارد و هم در حوزه تفسیر و مانند آن. البته پیدایش وثوق به صدور و یا احراز نبود قرینه بر اراده معنای خلاف ظاهر - که شرط حجیت ظهور است - در گزاره‌های مختلف غیر تعبدی، به تبع میزان اهمیت و خطیر بودن آنها می‌تواند متفاوت باشد؛ به گونه‌ای که بسا در مواردی جز با خبر و دلیل قطعی یا اطمینانی، اعتماد و وثوق پیدا نمی‌شود؛ همچنان که در غالب موارد، با خبر ثقه، یا موثق و احياناً با خبر حسن، وثوق و اعتماد وجدانی حاصل می‌گردد و در نتیجه، مفهوم کشف و تفسیر صدق می‌کند؛ یعنی میزانی از وضوح و انکشاف حاصل می‌گردد که مسمای کشف و تفسیر و دلالت، بر آن صادق باشد. به عبارت دیگر، این نظریه، میان خبر موثوق الصدور و خبر ثقه در حجیت، تفصیل می‌دهد؛ زیرا خبر مورد وثوق را پیوسته در گزاره‌های تفسیری و غیر تفسیری، همانند گزاره‌های فقهی حجت می‌شمارد؛ ولی خبر ثقه را، اگر موثوق الصدور نباشد، تنها در گزاره‌های تعبدی، یعنی فقهی، حجت می‌شمارد، نه در حوزه‌ای فراتر از محدوده اعتبار و تعبد؛ زیرا اگر خبر ثقه مفید ظنی کمتر از میزان موجب وثوق و اعتماد وجدانی باشد، مفهوم تفسیر - که لازمه‌اش پیدایش مسمای کشف و انکشاف وجدانی است - تحقق نخواهد یافت.^۲ بلی یا چنین مستندی می‌توان ملتزم به حکم تعبدی در آیات فقهی شد و به مفاد آن در مقام عمل متعبد بود.

چون اختلاف نظر در دامنه حجیت احادیث تفسیری، به صورت عمده، به تفاوت دیدگاه آنان در مبانی حجیت حدیث و به میزان توجه و دقت آنان در ماهیت و مفهوم تفسیر برمی‌گردد، این نوشتار، برای تبیین دامنه حجیت احادیث تفسیری و پاسخگویی به نقاط ابهام یا اختلاف خیز بحث، در چهار فصل سامان می‌یابد:

یک. ماهیت تفسیر و ملاک‌های حجیت در حوزه تفسیر،

دو. دامنه حجیت احادیث تفسیری،

سه. حجیت احادیث تفسیری در تعارض با کتاب و سنت،

۱. چه قایلان این نظریه در گزاره‌های کلامی معتقد به لزوم قطع باشند یا نباشند.

۲. همچنان که اگر در موردی خبر ثقه، موجب ظن هم نبود و حداکثر به حد شک و تهمة رساند، مسمای احراز، و لو از باب وثوق نوعی به نوع خبر هم، حاصل نخواهد شد و مشمول ادله حجیت تعبدی خبر ثقه نیز نخواهد شد.

چهار. جایگاه احادیث نامعتبر در تفسیر.

ماهیت تفسیر و ملاک‌های حجیت در حوزه تفسیر

تعریف حجیت

حجیت در لغت

حجیت از ماده «حج» به معنای قصد است. «حُجَّت» به معنای دلیلی است که نمایان گر «مَحْجَّة»، یعنی قصد درست و مستقیم باشد؛ و یا وجه و دلیلی که برای روشن شدن حقیقت و مطلوب، آهنگ آن نمایند. گاهی نیز، از روی توسع، به هر چیز درست و نادرستی که در اثبات امری بدان استدلال می‌شود، «حُجَّت» می‌گویند.^۱ پس حجت در لغت، عبارت است از هر چیز شایسته تمسک، در اثبات امری؛ خواه برای آرام و قانع نمودن خویش یا دیگران باشد و یا برای اسکات خصم.

حجیت اصولی

حجت اصولی یعنی دلیلی قابل اعتماد که گرچه موجب احراز وجدانی (قطعی و اطمینانی) مفادش نمی‌شود، ولی شارع آن را برای اثبات تکلیف و حکم شرعی عملی کافی می‌شمارد و چنانچه حکم واقعی مغایر با مفاد آن دلیل باشد، مکلف را معذور می‌دارد. به اصطلاح، حجت اصولی^۲ دلیلی دارای دو ویژگی است: الف. منجزیت و اثبات تکلیف، در صورت مطابقت با واقع، ب. معذرت مکلف از مواخذة، در فرض عدم انطباق با واقع.^۳

تعریف تفسیر و ماهیت حجت تفسیری

تعریف تفسیر

تفسیر در لغت، از ماده «فسر» به معنای بیان، کشف و کنار زدن رویه از روی چیزی است که پوشیده باشد.^۴ گرچه «فسر» و تفسیر به یک معنا هستند، اما هیئت باب تفعیل دلالت بر تکثیر و مبالغه معنای

۳. معجم مقاییس اللغة، ص ۲۵۰: «کلّ قصد حج... ثمّ اختصّ بهذا الاسم القصد إلى البيت الحرام للنسك... و ممکن آن يكون الحجّة مشتقة من هذا، لأنّها تقصد، أو بها يقصد الحقّ المطلوب، يقال حاجت فلاناً فحجته، أي غلبته بالحجة، و ذلك الظفر يكون عند الخصومة؛ تهذيب اللغة، ج ۱، ص ۴۴۴: «الحجّ القصد أو السير إلى البيت خاصة... و إنما سميت (الحجة) حجة، لأنّها تحجّ، أي تقصد، لأنّ القصد لها و إليها؛ و كذلك محجة الطريق، هي المقصد و المسلك؛ المفردات، ص ۱۰۷: «أصل الحجّ: القصد للزيارة... و الحجّة الدلالة المبيّنة للمحجة، أي المقصد المستقيم، و الذي يقتضى صحّة أحد النقيضين...».

۴. ر.ک: مصباح الاصول، ج ۲، ص ۳۸: الرائد فی علم الاصول، ص ۱۱۸: دروس فی علم الاصول، ج ۲، ص ۵۳: حقائق الاصول، ج ۲، ص ۱۷۹.

۵. ناگفته نماند، اصلی‌ترین مسائل شریعت، و بلکه بسیاری از احکام پایین‌تر از آن، با دلایل قطعی یا اطمینانی به امت رسیده است تا استواری ساختار کلی شریعت تأمین گردد؛ اما در مجموعه قابل توجهی از امور و احکام نیز به دلایل معتبر عقلایی یا تعبیدی، و یا التزام اجمالی، بسنده شده است.

۶. الفسّر: الإبانة و کشف المنطی، كما قاله ابن الأعرابی؛ أو کشف المعنی المعقول، كما فی البصائر، کالتفسیر... قال ابن القطّاع؛ و التشدید أعم؛ (ناج المروس، ج ۲، ص ۳۳۹ و ر.ک: لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵: المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۳۱۱: المفردات، ص ۳۸۰: التفسیر و المفسرون، ج ۱، ص ۱۳ به نقل از راغب در ص ۴۷ از مقدمه تفسیرش).

ثلاثی مجرد می‌کند.^۷ تفسیر در اصطلاح مفسران و عالمان دینی، با عباراتی متقارب یا مشابه هم تعریف شده که عبارت است از کشف و تبیین مراد متکلم از الفاظ و ترکیب‌های مشکل.^۸ طبیعی است که این کشف و تبیین و عناوین مرادف آن، فرع پیدایش انکشاف مدلول و مراد برای خود مفسر است؛ یعنی باید مسمای عرفی وضوح و انکشاف و دلالت داشتن بر معنایی حاصل شود تا کشف، و یا عناوین مرادفی چون: ایضاح، دلالت، بیان و تبیین، صدق نماید.

ماهیت حجّت در تفسیر

مراد از حجّیت در تفسیر، مفهوم لغوی آن است که حجّت وجدانی و اصولی را شامل می‌شود؛ زیرا دلایلی که مفسر برای اثبات گزاره‌های خود به کار می‌گیرد، اعمّ از حجّت وجدانی و حجّت اصولی، دارای دو ویژگی منجزیت و معذرت است تا هم بتواند مفاد و مدالیل آیات را با نگاه واقع بینانه بفهمد و منتقل سازد و هم وظایف عملی و تبدّی نهفته در دامنه آیات فقهی را احراز کند؛ یعنی هم در جهات تفسیری و هم در جهات تبدّی تأمین حجت نماید.

قطع یا اعتبار قطعی ملاک حجّیت مستند تفسیری

با عنایت به حرمت تفسیر به رأی،^۹ اذعان به هر حکم و گزاره تفسیری یا باید مبتنی بر حجّتی وجدانی باشد؛ مانند علم و اطمینان، و یا با دلیلی قطعی حجّیت و اعتبار یافته باشد. پس مستند تفسیری ما خواه برگرفته از دلالت خود آیات و یا از سنت و یا آمیزهای از آن دو باشد، اگر آن مستند، خود قطعی نباشد، باید دلیل اعتبارش قطعی باشد.^{۱۰} به کمتر از این، معنایی را نمی‌شود اثبات نمود و به اسم تفسیر یا تأویل، به کتاب خدا نسبت داد.

۷. این صرفاً از باب دلالت کثرت مباحی بر کثرت معانی نیست، بلکه اساساً باب تفهیل برای این معنا وضع شده است. ر.ک: *الکتاب*، ج ۲، ص ۲۸۲، ۳۸۳ و ۳۹۳؛ *تاج العروس*، ج ۲، ص ۳۵۱ و ج ۱۵، ص ۷۲۸؛ *المخصّص*، ج ۴، السفر ۱۴، ص ۷۳؛ *المصباح المنیر*، ص ۳۵۹؛ *الخصائص*، ج ۱، ص ۲۲۳؛ *المحتسب فی تبیین وجهه شواذّ القراءات*، ج ۱، ص ۸۱، ۸۲ و ۱۹۴؛ *شرح الشافیه*، ج ۱، ص ۹۲، ۹۳ و ۱۶۷.

۸. امین الدین طبرسی، *ابن الأعرابی*، راغب و...: «التفسیر هو کشف المراد عن اللفظ المشکل (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳ (الفن الثالث من المقدمة)؛ ر.ک: *لسان العرب*، ج ۵، ص ۵۵؛ *التفسیر و المفسرون*، ج ۱، ص ۱۳ (به نقل از راغب در ص ۴۷ از مقدمه تفسیرش)؛ «کشف المراد عن اللفظ المشکل و التریب المطلق» (حاشیه *عوالی الثانی*، ج ۴، ص ۱۰۴)؛ «کشف المبهم و رفع القناع» (حاشیه شرح *ملا صالح مازندرانی بر اصول الکافی*، ج ۲، ص ۱۲۵)؛ «کشف الغطاء و دفع الإبهام» (*الفرق اللغویة*، ص ۱۳۳)؛ «کشف المراد عن اللفظ المشکل و ردّ أحد الاحتمالین إلى ما یطابق الظاهر» (*البرهان فی علوم القرآن*، ج ۲، ص ۱۴۹)؛ «کشف القناع... لکن الظاهر أنّ المراد بالرأی - فیه النهی عن التفسیر بالرأی - هو الاعتبار العقلی الظنی الراجح إلى الاستحسان، فلا یشمل حمل ظواهر کتاب علی معانیها اللغویة و العرفیة» (*فراند الاصول*، ج ۱، ص ۱۶۴).

۹. با توجه به تعریف تفسیر اطلاق این عنوان بر تفسیر به رأی مبتنی بر مجاز و تسامح است.
۱۰. ر.ک: *البیان فی تفسیر القرآن*، ص ۳۹۷؛ «التفسیر هو ایضاح مراد الله تعالی من کتابه العزیز، فلا یجوز الاعتماد فیه علی الظنون و الاستحسان و لا علی شیء لم یتثبت أنه حجّة من طریق العقل، أو من طریق الشرع... و لا بدّ للمفسر من أن یتبع الظواهر الّتی یتبعها العربی الصحیح، أو یتبع ما حکم به العقل الفطری الصحیح فإنّه حجّة من الدخال... أو یتبع ما ثبت عن المعصومین علیهم السلام».

مبانی حجیت خبر واحد

مبانی چهارگانه حجیت خبر

نقش مبانی حجیت، در دامنه حجیت حدیث تفسیری، تعیین کننده است. مبانی مطرح در این زمینه عبارت‌اند از:

الف. حکم عقل به ضرورت عمل به خبر، با وجود علم اجمالی به تکالیف شرعی و انسداد باب علم تفصیلی به تکالیف یاد شده؛

ب. حجیت خبر از باب تعبد شرعی محض؛

ج. حجیت خبر از باب سیره عقلا؛

د. حجیت خبر از باب توسعه تعبدی در سیره عقلا در حجیت خبر.

و اینک ارزش علمی این مبانی در بیانی کوتاه:

الف. انسداد و ضرورت عقلی: گرچه برخی اصولیان متأخر قابل به انسداد بودند و بر این اساس،

گرایش به حجیت مطلق ظن داشتند،^{۱۱} لیکن تحقیق ژرف و مناقشات استوار شیخ انصاری^{۱۲} در ابطال این

نظریه،^{۱۳} قول به انسداد کبیر را نظریه‌ای متروک ساخت که جز در موزه متون پیشین اصولی نمی‌توان از

آن سراغ گرفت.^{۱۴}

ب. حجیت تعبدی محض: ظاهر بیان برخی، بویژه اخباریان متأخر و کسانی که در حجیت خبر، تنها

به استدلال به نصوص بسنده می‌نمایند، حجیت حدیث از راه تعبد است.^{۱۵} سستی این مبنا روشن‌تر از آن

است که نیازمند به بررسی تفصیلی در این مجال تنگ باشد؛ زیرا امری که سیره عقلا بر آن استقرار یافته

و شریعت نیز بدان نظر مساعد دارد، طبیعی است که به امضای تنها، یا امضای توأم با اصلاح و تکمیل

آن بسنده نماید.

ج. حجیت خبر از باب سیره: جاری بودن سیره عقلا^{۱۶} در اعتماد بر خبر واحد، از بدیهیات است.

ملاک اعتبار خبر در سیره نیز پیدایش وثوق و اعتماد عقلایی به صدق مفاد خبر است^{۱۷} و تا چنین

اعتمادی پیدا نشود، خبر را معتبر نمی‌شمارند. بنابر این، اعتبار خبر، نفیاً و اثباتاً، منوط به حصول وثوق و

اعتماد است؛ خواه مخبر خود مورد وثوق باشد یا نباشد. در عین تأکید بر اعتبار اخبار عقلایی، دامنه اعتبار

خبر در عرف عقلا را دارای کاستی‌هایی می‌بینیم که با توسعه تعبدی سیره، برطرف می‌گردد.^{۱۸}

۱۱. ر.ک: معالم الدین، ص ۱۹۲؛ قوانین الاصول، ص ۴۴۰.

۱۲. ر.ک: فرآیند الاصول، ج ۱، ص ۳۸۶ و ۴۲۶.

۱۳. البته شیخ انصاری در این کوشش، تنها نظریه انسداد کبیر را - که منجر به قول حجیت مطلق ظن می‌شد - ابطال نمود؛ اما قول به انسداد صغیر، همچنان طرفدارانی دارد و لازم است، یا بطلان این رأی را اثبات نمود، و یا برای هموار نمودن مشکلاتی که التزام به آن در پی دارد، چاره‌ای اندیشید (ر.ک: «نظریه توسعه تعبدی در حجیت خبر»).

۱۴. ر.ک: القوائد المدنیة، ص ۱۰۶؛ مدخل التفسیر، ص ۱۷۶.

۱۵. ر.ک: فرآیند الاصول، ج ۱، ص ۳۴۶؛ کفایة الاصول، ص ۳۰۳؛ البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۸ - ۴۰۲.

۱۶. ر.ک: نهایة الأفتکار، ج ۲، ص ۱۳۵.

۱۷. در مباحث آینده توضیحاتی درباره نظریه توسعه تعبدی می‌آید، ولی تحقیق این مبنا را در مقاله «نظریه توسعه تعبدی سیره عقلا در حجیت خبر» آوردیم.

د. حجّیت از باب توسعهٔ تعبّدی در سیره: تبیین این نظریه، در مباحث بعدی می‌آید.^{۱۸}

احادیث قابل اعتماد در شریعت

در حوزهٔ شریعت، به طور اجمال، به دو گروه از اخبار و احادیث اعتماد می‌شود:

الف. احادیث دارای حجّیت وجدانی (قطعی یا اطمینانی)،

ب. احادیث دارای حجّیت اعتباری و قراردادی.

احادیث با حجّیت اعتباری خود نیز بر دو دسته‌اند: ۱. طیف احادیث غیر وجدانی مورد وثوق نوعی در سیرهٔ عقلا، ۲. طیف احادیث مشمول توسعهٔ تعبّدی در سیرهٔ عقلا؛ یعنی احادیثی که در عرف عام عقلا حجّت شمرده نمی‌شود.

و اینک توضیح بحث:

احادیث مورد اعتماد در سیره عقلا

در سیرهٔ عقلا، در هر موردی، به هر خبری بسنده نمی‌شود، بلکه پذیرش خبر منوط به پیدایش وثوق و اعتماد است. میزان وثوق لازم در هر جایی را نیز به میزان اهمّیت مورد و خطرات و خسارات احتمالی‌اش مربوط می‌سازند. پس در عرف عام، نوع مردم، به طور اجمال، به دو گونه خبر اعتماد می‌کنند:

الف. احادیث دارای حجّیت وجدانی،

ب. احادیث مفید وثوق نوعی،

بلی نوع مردم بسا در عرف‌ها و محدوده‌های قراردادی و خاص خود، در پذیرش خبر، سخت‌گیری یا تسامح ویژه‌ای را نیز اعمال نمایند؛ همچنان که اهل شرع در عرف خاص خود، به طیف اخبار ذیل نیز عمل می‌کنند:

ج. احادیث مشمول توسعهٔ تعبّدی در سیره.

الف. احادیث دارای حجّیت وجدانی:^{۱۹} این احادیث بر دو دسته‌اند:

۱. حدیث مفید علم: آنان در برخی امور فوق‌العاده مهم و خطیر، جز به علم و قطع، یعنی اعتقاد جازم و صد در صد، اعتماد نمی‌کنند و بدان ترتیب اثر نمی‌دهند.^{۲۰}

۲. حدیث مفید اطمینان شخصی: آنان در اموری مهم، با میزان اهمّیتی کمتر از بالا، علاوه بر علم، به اطمینان شخصی نیز ترتیب اثر می‌دهند. البته اگر این اطمینان شخصی قابل انتقال و پذیرش دیگران نباشد، حجّت اصولی شمرده نمی‌شود، بلکه با پذیرش مسئولیت شخصی همراه خواهد بود.^{۲۱} پیدایش

۱۸. برای تحقیق بیشتر ر.ک: «نظریه توسعه تعبّدی در حجّیت خبر»، ص ۱۰۱ - ۱۰۲.

۱۹. چون احادیث دارای حجّیت وجدانی نیز مورد اعتماد در سیرهٔ عقلا قرار می‌گیرند، آن را از «طیف احادیث عقلایی» شمردیم؛ لیکن این قسم نیازی به تأمین اعتبار از سیرهٔ عقلا ندارد، بلکه حجّیت آن ضروری و عقلی است.

۲۰. در دلالت چنین احادیثی بر ظهور نیز، شرط حجّیت ظواهر این روایات، فحص از قراین اراده معنای خلاف ظاهر و احراز نبود آنهاست؛ و حدّ این فحص نیز حصول اطمینان و وثوق به نبود قراین خلاف است. پیدایش این اطمینان در خصوص چنین مواردی نیز، در عمل، منوط به حصول جزم به نبود قراین مورد اشاره است (ر.ک: همین مقاله، بحث «میزان قوت سند و دلالت در اخبار عقلایی و تعبّدی»).

۲۱. زیرا احادیث مفید قطع و اطمینان، حجیتشان وجدانی است، نه اصولی؛ یعنی در صورت خطا و تخلف قطع و اطمینان از واقع، خود قطع و اطمینان عذر وی محسوب نخواهند شد و به اصطلاح، معذرت ندارند؛ البته اگر در مبادی پیدایش یقین و اطمینان

اطمینان شخصی در هر جایی، به اموری چون: میزان مصلحت و اهمیت اقدام، میزان قوت احتمال خلاف، و میزان ضرر احتمالی مترتب بر آن، بستگی دارد.^{۲۲}

ب. احادیث مفید و ثوق نوعی: عرف عقلاً در عمده امور بیرون از مسئولیت شخصی محض - که خود را در مقابل دیگران پاسخگو می‌بینند - به طور معمول، به خبر مورد وثوق و اعتماد برای متعارف مردم تکیه می‌کنند.^{۲۳}

نقطه اتکای عقلاً در اینجا وثوق به خبر است. وثاقت مخیر را نیز از راه‌های پیدایش وثوق به خبر می‌شمارند. البته پیدایش اعتماد و وثوق عقلایی، در جاهای گوناگون، یکنواخت نیست، ولی آنان در معمول موارد به گونه‌های خبری ذیل اعتماد می‌کنند:

۱. خبر افراد راستگو و درستکار که در تطبیق بر حوزه حدیث پژوهی بر حدیث صحیح، منطبق می‌شود.

۲. خبر افراد مورد وثوق در راستگویی، هر چند جهات دیگر اندیشه و عمل آنان مقبول نباشد و در گروه مخالف قرار گیرند. این قسم، در حدیث پژوهی بر حدیث موثق تطبیق می‌گردد.

۳. خبر حسن؛ یعنی خبر کسی که معمولاً در عرف عام آدم خوبی به نظر می‌آید.

۴. اخبار ضعیف مورد اعتماد به جهت وجود قراین و شواهد؛ عرف عقلاً در برخورد با اخبار ضعیف به بی‌اعتنایی یا انکار آن بسنده نمی‌کنند؛ بلکه بسا به فحص از آن برخیزند و شواهدی اعتمادآور بر آن بیابند و بدان ترتیب اثر دهند؛ از چنین خبری، در اصول، به «حجت بالتبیین» تعبیر می‌شود.^{۲۴}

طیف احادیث مشمول توسعه تعبدی در سیره

افزون بر گونه‌های خبری مورد وثوق نوعی در سیره، اگر کسی در امور مربوط به مسئولیت و اختیارات شخصی خود، سخت‌گیری یا تسهیل ویژه‌ای، برای احراز خبر و اعتماد به آن، اعتبار کند، هم عقل و هم عرف عقلاً در محیط و محدوده مزبور این اعتبار را محترم می‌شمارند و افراد زیر مجموعه‌اش را به رعایت آن موظف می‌دانند و چنان خبری را برای آن شخص و بر او قابل احتجاج می‌بینند. از همین رو، نوع مردم، شرایط تعیینی از سوی فرمان‌روایان، کارفرمایان و... را در حوزه اختیاراتشان محترم می‌شمارند. چون سیره عقلاً در اعتماد بر اخبار معتبر در عرف عام، برای تأمین نیازها و بر اساس مبادی اعتباری عام خودشان است و نسبت به تأمین همه مصالح و نیازهای مورد نظر در حوزه شریعت نارسایی دارد، از این رو، شارع مقدس به امضای این سیره بسنده نفرمود، بلکه علاوه بر آن، با عنایت به ویژگی‌های حوزه شرع، محدوده اعتبار عرفی خبر را توسعه بخشید و تکمیل نمود؛ مثلاً حکم به:

بر خطا تقصیر نکرده باشند، تنها آسیب‌ها و مسئولیت‌های تکوینی و وضعی متوجه شخص می‌شود و دیگر استحقاق نکوهش و عقوبت را نخواهد داشت. معذوریت مستضعفان فکری نیز بر همین مبنا قابل توجیه است.

۲۲. علاوه بر ظهور عرفی و شمول احادیث ترغیب به علم، نسبت به اطمینان برخی احادیث خاص نیز دلالت بر اعتبار اطمینان در نزد شارع مقدس دارد (ر.ک: *قرب الاستناد*، ص ۱۳۵؛ *رسائل الشیعه*، ج ۲۷، ص ۱۲۷، ج ۲۳۵-۲۳۵).

۲۳. گاهی اماره مفید وثوق نوعی تقسیم می‌شود به: الف. وثوق نوعی به شخص خبر، ب. وثوق نوعی به نوع خبر. مراد از وثوق نوعی در طیف احادیث عقلایی، همان قسم «الف» است؛ بر خلاف طیف احادیث مشمول توسعه تعبدی که می‌توان از قسم «ب» باشد (ر.ک: «نظریه توسعه تعبدی در حجیت خبر»، ص ۱۰۱ - ۱۰۲).

۲۴. ر.ک: *قوانین الاصول*، ص ۴۳۴؛ *دروس فی علم الاصول*، ج ۲، ص ۱۳۶.

الف. ترجیح در تعارض خبرین،^{۲۵} حتی به مرجّحی که مفید و ثوق به صدور یک طرف، یعنی وثوق به عدم صدور جانب مقابل نباشد؛ ب. تخییر^{۲۶} بین خبرین متعادلین، در غیر موارد تخییر بین احکام سنن؛ ج. معتبر شمردن خبر ثقه، با وجود تنافی آن با معارض نامعتبری که وثوق به صدور خبر ثقه را نیز از بین می‌برد.

اعتبار چنین اخباری در دامنه حجّیت عقلایی معمول نیست. بی‌شک، تنها حکومت به وجه توسعه تبعّدی در دامنه حجّیت است که به این اخبار اعتبار می‌بخشد.^{۲۷} گفتنی است که موضوع توسعه تبعّدی خبر، تنها اخبار متعارض نیست، بلکه هر خبری را که، به هر دلیلی، وثوق به صدورش منتفی باشد،^{۲۸} ولی در شرع معتبر شمرده شود، شامل می‌گردد.

دامنه حجّیت احادیث تفسیری

نقش اختلاف مبانی حجّیت، در دامنه حجّیت

اختلاف آرا در دامنه حجّیت خبر، به طور عمده، به اختلاف در مبانی حجّیت خبر و به میزان توجه و دقت در مفهوم و ماهیت تفسیر بر می‌گردد؛ زیرا:

الف. بر مبنای انسداد و ضرورت عقلی در حجّیت خبر، احادیث تفسیری غیر وجدانی، در تفسیر حجّیتی نخواهند داشت و تنها حیثیت تبعّدی و فقهی آیات قرآن را، در حدّ و دامنه ضرورت، منجز می‌سازند؛ زیرا چنان که گذشت، تفسیر دانشی دارای حیثیت علمی و واقعی و نفس الامری است. از این رو، دلیلی که مسامی کشف وجدانی یا عرفی مورد تقریر شرع را نداشته باشد، نمی‌توان با آن وضوح مراد متکلم و دلالت بر آن را تحصیل نمود؛ و اگر از باب ضرورت عقلی اعتبار یابد، باید در تمسک به آن در حدّ ضرورت بسنده نمود.

ب. بر مبنای تبعّد محض، دامنه حجّیت تابع گونه تبعّد به خبر است که از تأمل در بیان مقتضیات دیگر مبانی نمایان می‌شود. ضعف این وجه، درنگی بیش از این را روا نمی‌شمارد.^{۲۹}

ج. بر مبنای سیره عقلا، تمامی احادیث دارای اعتبار و حجّیت عقلایی، هم در حیثیت تفسیری، یعنی حیثیت علمی تفسیر و هم در حیثیت تبعّدی و عملی آن، معتبر شمرده می‌شوند.^{۳۰} با توجه به مفهوم و ماهیت تفسیر، تفصیل در دامنه حجّیت خبر بین گزاره‌های فقهی و تفسیری سزاوار نیست. البته باید توجه داشت که بسیاری از اصولیان توجه تفصیلی به نظریه توسعه تبعّدی در سیره عقلا در حجّیت خبر ندارند.

۲۵. در غیر موارد دوران بین محذورین.

۲۶. مقصود از این تخییر فقهی ظاهری، یا تخییر اصولی، است؛ بنا بر قول به آن (ر.ک: *وسائل الشیعه*، ج ۲۷، ص ۱۰۸، ح ۲۳۳۸).

۲۷. آنچه در این مقاله منعکس گردید، اجمال مطلب است و جای تبیین حدود و شرایط و دامنه توسعه تبعّدی، علم اصول است؛ همچنین بیان دلایل اثباتی اصل نظریه توسعه تبعّدی در مقاله‌ای مستقل مورد پژوهش قرار گرفت (ر.ک: «نظریه توسعه تبعّدی در حجّیت خبر»).

۲۸. مگر خبری که به حدّ تهّمه رسیده و مسامی احراز راه و او از باب وثوق نوعی به خبر، از دست داده باشد.

۲۹. ر.ک: *مدخل التفسیر*، ص ۱۷۵ - ۱۷۶.

۳۰. ر.ک: *البیان فی تفسیر القرآن*، ص ۳۹۸ - ۴۰۲؛ *مدخل التفسیر*، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.

از این رو، در حجیت خبر به دلیل سیره تمسک می‌کنند، لیکن عملاً در فقه، به خبر ثقه فراتر از حجیت عقلایی، یعنی خبر موثوق الصدور، عمل می‌کنند. اینان اگر توجه تفصیلی به حاق مبنای عملی خود داشتند. باید به مقتضای مبنای توسعه تعبدی پایبند می‌شدند.

د. مبنای توسعه تعبدی: این مبنا و مقتضای آن در دامنه حجیت خبر، در مباحث گذشته تبیین شد. حجیت خبر بر این مبنا، بر دو عنصر متکی است: ۱. تفصیل بین اخبار عقلایی (یعنی موثوق الصدور) - که هم در گزاره‌های علمی و هم عملی حجّت است - و اخبار توسعه تعبدی که تنها در گزاره‌های عملی حجّت است. ۲. قول به ناهمسانی گزاره‌ها در نیاز به قوت سند و دلالت، پیدایش وثوق به صدور و یا تحقق شرط حجیت ظهور، در همه گزاره‌های کلامی یکسان نیست، بلکه تابع میزان اهمیت و خطیر بودنشان است.

نظریات قابل طرح در دامنه حجیت

عمده این نظریات عبارت‌اند از:

- الف. حجیت احادیث مورد وثوق در گزاره‌های علمی و عملی؛
- ب. حجیت احادیث معتبر، اعم از خبر مورد وثوق و خبر ثقه، در گزاره‌های علمی و عملی؛
- ج. نظریه تفصیل بین گزاره‌های علمی، مانند کلامی و تفسیری، که دلیل قطعی می‌طلبد و بین گزاره‌های عملی تعبدی که خبر مشمول ادله تعبد به حجیت خبر، در آنها کافی است.
- د. نظریه تفصیل بین اخبار عقلایی (و شمول حجیت آنها) و بین اخبار مشمول توسعه تعبدی (و اختصاص آن به گزاره‌های عملی) که این مقاله در پی تحقیق و اثبات همین نظریه است.

نقد نظریات سه گانه نخست

نظریه حجیت احادیث مورد وثوق در گزاره‌های علمی و عملی

صاحبان این رأی، به استناد نصوص نهی از اتباع ظن، تنها علم را شایسته تبعیت می‌دانند و خبری را که علم به صدورش نباشد، معتبر نمی‌شمارند؛ گرچه ظاهراً مرادشان از علم، اعم از علم حقیقی و علم عرفی، یعنی وثوق است. نتیجه، این که اینان خبر ثقه را تا زمانی که علم به صدورش نباشد، در مقولات علمی و عملی و تعبدی حجّت نمی‌شمارند. از این رو، خبر مفید کمتر از علم راه، در تفسیر و احکام تعبدی مستند به احادیث تفسیری و... معتبر نمی‌دانند. این همان نظریه معروف سید مرتضی و پیروانش است و پاسخ آن با اندکی درنگ در نقد نظریه بعدی نمایان می‌شود.

نظریه شمول ادله تعبد به حجیت خبر نسبت به گزاره‌های علمی و عملی

پیروان این نظریه احادیث معتبر راه اعم از خبر ثقه و خبر مورد وثوق، در گزاره‌های علمی و عملی حجّت می‌شمارند و معتقدند که سیره عقلا در حجیت خبر تمایزی بین حیثیت علمی و عملی لحاظ نمی‌کند و امضای این سیره در شرع مطهر، موجب اطلاق اعتبار اخبار معتبر می‌گردد؛ بدون تفاوتی بین گزاره‌های علمی و عملی.^{۳۱}

۳۱. ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۸ - ۴۰۲؛ مدخل التفسیر، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.

اشکال عمده این نظریه، این است که دایره حجیت اخبار را تنها به اخبار معتبر در سیره عقلا محدود می‌سازد و به تعبدی شرعی فراتر از آن گردن نمی‌نهد و از توجه به تفاوت مبانی حجیت اخبار عقلایی از اخبار مشمول توسعه تعبدی قاصر است؛ یعنی از ضرورت تفکیک بین اخبار معتبر عقلایی و اخبار معتبر مشمول توسعه تعبدی غفلت می‌ورزد.^{۳۲}

البته، چنان که پیش‌تر اشاره شد، غالب پیروان این دیدگاه تنها در مقام نظری بدین رأی پایبندند و گرنه در مقام عمل، محدوده حجیت اخبار را در گستره‌ای فراتر از محدوده سیره، اعتبار می‌بخشند و با تکیه بر وجدان علمی ارتکازی خود، در مواردی چون مقام تعارض بین اخبار، به ترجیح طرف راجح می‌پردازند و بدان عمل می‌کنند؛ بی‌آن‌که، به مقتضای سیره، در میزان رجحان و احراز وثوق به صدور آن - که مستلزم وثوق به عدم صدور اخبار جانب مقابل است - درنگی نمایند. اینان اگر توجه تفصیلی به حاقّ مبنای عملی خود داشتند، باید به مقتضای مبنای توسعه تعبدی پایبند می‌شدند.^{۳۳}

ضمناً همین عدم تفکیک بین دو طیف اخبار معتبر عقلایی و مشمول توسعه تعبدی، موجب افراط‌گرایی صاحبان نظریه بعدی شد.

نظریه تفصیل بین گزاره‌های علمی و عملی

صاحبان این نظریه بر این باورند که گزاره‌های مربوط به حوزه کلام و معارف و امور ملحق به آن، نیاز به قطع جازم دارند؛ بر خلاف گزاره‌های تعبدی فقهی که دلیل معتبر تعبدی در آنها کافی است. از این رو، احادیث معتبر غیر مفید قطع را تنها در جهات فقهی آیات حجّت می‌شمارند، نه در جهات علمی - تفسیری.^{۳۴}

در این نظریه، علاوه بر عدم تفکیک بین دو طیف اخبار عقلایی و اخبار مشمول توسعه تعبدی، از سه نکته دیگر غفلت شده است:

الف. عرف عقلا خبرهای معتبر عقلایی را از باب کشف و طریقت معتبر می‌شمارند، نه تعیین وظیفه عملی. از این رو، میزانی از احراز را - که برای صدق مسمای کشف لازم است - رعایت می‌نمایند و از نظر خود تأمین یافته می‌بینند. گرچه معمول اخبار عقلایی، مفید کشفی تام و قطعی نیست، لیکن تشکیکی بودن مفهوم کشف و انکشاف موجب شده، عرف عقلا به همین میزان از کشف در احراز مفاد و مدلول کلام بسنده نمایند و احتمال خلاف را قابل اعتنا نینند. شارع نیز با تقریر این سیره، بر چنین کشفی در تفسیر صحیح و پرهیز از تفسیر به رأی، صحّه نهاد.

ب. نه دلیلی عقلی یا تعبدی دلالت می‌کند که هر گزاره کلامی نیازمند به باور جزمی است و نه ماهیت مفاهیمی چون: معرفت، ایمان، اعتقاد و تصدیق اقتضای قطع جازم در تمام گزاره‌های کلامی و مانند آن را دارد.^{۳۵}

۳۲. به زودی گفتار حضرات آیات خویی و فاضل یحیی در تمایل به این نظریه مورد ملاحظه قرار می‌گیرد.

۳۳. به علاوه، این عدم توجه تفصیلی به توسعه تعبدی، موجب خلط علمی و عملی آنان می‌گردد؛ اگر آنها در جاهایی بر اساس وجدان ارتکازی خود، به مقتضای نظریه توسعه تعبدی رفتار می‌کنند، در جاهایی هم به دلیل نبود توجه به وجود چنین توسعه‌ای در شرع مطهر، خود را در محدوده مقتضیات سیره محصور می‌نمایند و از گشایش تعبدی شریعت و لوازم آن محروم می‌گردند.

۳۴. رک: قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۳۹۲؛ تسنیم در تفسیر قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۵۶ - ۱۵۹.

۳۵. چنان‌که در مبحث «عدم تفصیل بین گزاره‌های کلام و غیر کلامی» توضیحش می‌آید.

ج. بلی پیدایش و ثوق به صدور و یا تحقق شرط حجیت ظهور، در همه گزاره‌های کلامی یکسان نیست، بلکه تابع میزان اهمّیت و خطیر بودنشان است. از این رو، در برخی گزاره‌ها با کمتر از مستند مفید قطع جازم، و ثوق به صدور و یا وثوق به انتفای قرینه بر اراده معنای خلاف ظاهر - که شرط حجیت ظهور است - پیدا نمی‌شود.^{۳۶}

تحقیق نظریه تفصیل بین اخبار عقلایی و اخبار توسعه تعبدی

چون توضیح این نظریه پیش‌تر گذشت، به ذکر چکیده آن بسنده می‌کنیم. این نظریه مبتنی بر دو عنصر است:

الف. تفصیل بین اخبار عقلایی (یعنی موثوق الصدور) - که هم در گزاره‌ای علمی و هم عملی حجّت است - و اخبار توسعه تعبدی که تنها در گزاره‌های عملی تعبدی حجّت است.^{۳۷}

ب. ناهمسانی گزاره‌ها در نیاز به قوت سند و دلالت. گرچه ما در حجیت اخبار عقلایی، تفصیلی بین جهات علمی و عملی قایل نیستیم، لیکن پیدایش و ثوق و اعتماد به صدور و یا وثوق به انتفای قرینه بر اراده معنای خلاف ظاهر - که شرط حجیت ظهور است - در همه گزاره‌های کلامی یکسان نیست، بلکه تابع میزان اهمّیت و خطیر بودنشان است. از این رو، در برخی گزاره‌ها با کمتر از مستند مفید قطع جازم یا اطمینان، و ثوق به صدور و یا وثوق به شرط حجیت ظهور پیدا نمی‌شود. بنابراین، گرچه قول به «ناهمسانی گزاره‌ها...» تفصیلی در دامنه حجیت اخبار عقلایی نمی‌دهد، لیکن این ناهمسانی، عملاً مفید نوعی «نتیجه تفصیل» است.

صوری بودن قول به نتیجه تفصیل، گرچه در همه گزاره‌های اعتقادی واجب و نیازمند به جزم و بلکه معارف مهمّ و پر نقش در سجایا و رفتارهای دینی، دلایل عقلی و نقلی کافی و مفید جزم و اطمینان، ما را بی‌نیاز از این قول به نتیجه تفصیل می‌کند، لیکن اصل «ناهمسانی گزاره‌ها در نیاز به قوت سند و دلالت» در سایر مراتب مربوط به اخبار عقلایی به حال خود باقی است. پس نظریه «نتیجه تفصیل» یک وجه نظری محض و فاقد موضوع در احادیث تفسیری نیست.

گستره حجیت طیف احادیث معتبر عقلایی

تا اینجا روشن شد که در سیره و عرف عام عقلا، به گونه‌های اخبار ذیل، اعتماد می‌شود: ۱. خبر موجب علم، ۲. خبر موجب اطمینان شخصی، ۳. خبر مفید و ثوق نوعی.

وجه حجیت اخبار مفید علم و اطمینان شخصی، در تمام گزاره‌ها و موارد حصول علم و اطمینان، پیش‌تر بیان شد. همچنین حدیث موثوق الصدور، یعنی مفید و ثوق نوعی - که بیشترین احادیث دارای اعتبار عقلایی را تشکیل می‌دهد - در تفسیر، حجیت دارد و در این مسأله تفاوتی بین حیثیت تفسیری آیات - که حیثیتی واقعی و علمی است - و حیثیت عملی تعبدی آنها نیست؛ زیرا عرف عقلا در اعتماد بر خبر واحد، تمایزی بین اخبار دارای بار علمی یا عملی نمی‌شناسند؛ یعنی هم در کشف حقایق و درک امور

۳۶. توضیح در بیان معنای «نتیجه تفصیل» در محث بعدی و در بیان «ناهمسانی گزاره‌ها در قوت سند و دلالت» می‌آید.

۳۷. چنان که توضیح در «محدوده حجیت طیف احادیث توسعه تعبدی» می‌آید.

مربوط به حوزه هست و نیست و هم در مقام عمل و التزام به شؤون مربوط به بایدها و نبایدها، به این اخبار ترتیب اثر می‌دهند.

با عنایت به تقریر سیره عقلا در حجیت خبر واحد، در حوزه دین، تمامی این گونه‌ها در تفسیر نیز معتبر شمرده می‌شوند. و در صحت تمسک به آنها در تفسیر، فرقی میان حیثیت فقهی و تعبیدی آیات، با حیثیت تفسیری و کشف مفاد و مدلول آنها نیست.^{۳۸}

محدوده حجیت طیف احادیث توسعه تعبیدی

در گروه احادیث مشمول توسعه تعبیدی، یعنی خبر ثقه و گونه‌های ملحق به آن - که وثوق به صدورش پیدا نشده باشد - میزان احراز و پیدایش وثوق تعبیدی به صدور خبر، در حدی نیست که مسمای عرفی کشف و انکشاف و دلالت، صدق کند. از این رو، عنوان تفسیر، یعنی کشف و بیان دلالت آیه، بر چنین مستنداتی صادق نخواهد بود، لیکن به دلیل اعتبار این احادیث در فقه و موارد تعبیدات شرع مطهر، در حیثیت عملی مربوط به آیات قرآن، قابل استناد خواهند بود. این بخش از روایات، حتی در حیثیت تفسیر آیات فقهی نیز معتبر شمرده نمی‌شوند، بلکه تنها در حیثیت فقهی و تعبیدی آیات فقهی شمرده می‌شوند.

راز تفصیل بین اخبار عقلایی و توسعه تعبیدی

با این که هر دو طیف از اخبار (عقلایی و توسعه تعبیدی) در حجیت، نیازمند به تأمین اعتبار از سوی شرع هستند، راز این تفصیل در حجیت احادیث معتبر، در نقاط سه گانه ذیل نهفته است:

الف. تعریف تفسیر و ماهیت ثبوتی و واقعی آن، ب. وجود حداقل مسمای کشف و انکشاف و دلالت در خبرهای معتبر عقلایی، ج. نبود چنین میزانی از احراز و انکشاف وجدانی در احادیث طیف توسعه تعبیدی.

تفسیر، کشف مراد از الفاظ و ترکیب‌های مشکل است^{۳۹} و کشف کردن مفسر از مراد قرآن، فرع بر وضوح و ظهور و تبیین آن برای خود مفسر است. خبرهای معتبر عقلایی به میزانی از انکشاف و وضوح ظهور برخوردار هستند که مسمای عرفی کشف و انکشاف و دلالت و تفسیر، صادق باشد. بر خلاف گروه احادیث مشمول توسعه تعبیدی - که به دلیل عدم وثوق به صدورشان، قوت احتمال صدق و صدور این احادیث، به حدی نمی‌رسد که صدق مسمای عرفی کشف و انکشاف و دلالت آیات مورد تفسیر، حاصل باشد^{۴۰} و بر پایه آن ماهیت تکوینی تفسیر، یعنی کشف و بیان و دلالت آیه با چنین مستنداتی تأمین نخواهد بود - دلایل تعبید به خبر حیثیت‌های تعبید بردار را اعتبار می‌بخشند، نه آن که با تعبید شرعی،

۳۸. ر.ک: مدخل التفسیر، ص ۱۷۴ - ۱۷۵.

۳۹. «التفسیر هو إيضاح مراد الله تعالى من كتابه العزيز» (البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۷۹)؛ «التفسیر هو کشف المراد عن اللفظ المشکل» (مجمع البیان، ج ۱، ص ۱۳، الفن الثالث من المقدمة)؛ نیز ر.ک: لسان العرب، ج ۵، ص ۵۵؛ همین مقاله، مبحث «تعریف تفسیر و ماهیت حجت تفسیری».

۴۰. زیرا فرض در این گونه خبرها عدم حصول وثوق نوعی به صدورشان است و گرنه، همانند احادیث موثوق الصدور، از اخبار معتبر عقلایی شمرده می‌شدند.

کاستی‌های تکوینی آن نیز تأمین گردد. از این رو، تنها در حیثیت عملی و تعبّدی، مربوط به آیات، قابل استناد هستند؛ چه این‌که جنبهٔ فقهی و عملی آیات، در محدودهٔ اعتبار تعبّدی این احادیث می‌گنجد. به بیانی دیگر، گزاره‌های تفسیری بر دو گونه‌اند: الف. گزاره‌های تفسیری دارای حیثیت ثبوتی و نفس‌الامری؛ مانند آیات دارای مفاد اعتقادی، معارفی، تاریخی، طبّی، و...؛ ب. گزاره‌های تفسیری دارای حیثیت اثباتی و تعبّدی؛ مانند حیثیت عملی مربوط به آیات فقهی.

در حیثیت نخست - که حیثیت تفسیری به معنای دقیق کلمه است - مستند تفسیر باید یا علم و قطع باشد تا کشف و دلالتش به صورت وجدانی احراز گردد و یا دلیلی باشد که مسمای عرفی کشف و بیان و تفسیر بر آن صدق نماید؛ یعنی در پرتو آن، مفاد آیه به اندازه‌ای وضوح و انکشاف پیدا کند که عرفاً بر آن بیان و دلالت اطلاق گردد و تعریف تفسیر، یعنی «کشف المراد عن...» بر آن صادق باشد. حدیث تفسیری‌ای که هم در دلالت و هم در وثوق به صدورش در مرتبه‌ای است که در عرف عقلاً مورد اعتماد قرار می‌گیرد، حدّ لازم وضوح و کشف و انکشاف در آن تأمین است؛ زیرا آنان خبر را از باب کشف و طریقیّت معتبر می‌شمارند، نه تعیین وظیفهٔ عملی.^{۴۱} بدین رو، میزانی از احراز را - که برای صدق مسمای کشف لازم است - رعایت می‌نمایند و از نظر خود تأمین یافته می‌بینند.^{۴۲}

میزان قوت سند و دلالت در اخبار عقلایی و تعبّدی

ملاک اعتماد به صدور خبر از دو نقطه در خور تأمل است:

۱. اعتماد بر خبر عقلایی: میزان در اعتماد بر خبر، بر مبنای سیرهٔ عقلایی، وثوق به صدور خبر است؛ همچنان که میزان در عدم اعتماد بر خبر عقلایی، عدم وثوق به صدور خبر است، نه قطع، یا وثوق و یا حتی شک به خلاف آن؛ چه این‌که وقتی مدار حجّیت عقلایی در باب خبر، وثوق به صدور باشد، حجّیت خبر نفیاً و اثباتاً، بدواً و استمراراً، بر محور آن خواهد چرخید. همچنان که محقق نایینی می‌گوید:

فالمیزان فی الموهبة هو ارتفاع الوثوق بالصدور، كما أنّ المیزان فی الجابرية هو وجوده.^{۴۳}

لیکن حضرت آیه الله خویی رحمته الله علیه می‌گوید:

يعتبر فی الخبر الموثوق به... أن يكون جامعاً لشرائط الحجية، و منها أن لا يكون الخبر مقطوع الكذب، فإنّ مقطوع الكذب لا يعثل أن يشمله دليل الحجية و التعمد... لأن الراوی مهبا بلغت به الوثاقفة، فإنّ خبره غير مأمون من مخالفة الواقع... فلا بدّ من التثبت بدليل الحجية فی رفع

۴۱. بلکه روشن شدن و وظیفه عملی را نتیجه وضوح و انکشاف مراد متکلم می‌شمارند.

۴۲. نیاز به تقریر اعتبار اخبار عقلایی از سوی شرع مطهر، با وجود مسمای عرفی کشف و دلالت و تفسیر، از این جهت است که انکشاف مفهومی دارای مراتب تشکیک است و معمول اخبار مورد اعتماد عرف، مفید کشف و انکشاف تام نیست. چون عرف عقلاً در توافق ارتکازی خود، همان میزان از کشف را کافی و قابل اعتماد شمرند، امضای این سیره از سوی شرع مطهر، در حقیقت، به معنای تأیید همین میزان از انکشاف از سوی خدای متعال و تجویز اعتماد بر آن در تفسیر آیات و خروج از محذور و تفسیر به رأی است.

۴۳. *أجود التقریرات*، ج ۲، ص ۱۶۱.

هذا الاحتمال، و فرضه كالمعدوم، و أما القطع بالخلاف و بعدم مطابقة الخبر للواقع فلا يعقل التعمد بعدمه، لأن كاشفة القطع ذاتية، و حجته ثابتة بحكم العقل الضروري، اذن فلا بد من اختصاص دليل الحجية بخبر الخبر الذي يقطع بكذبه و بمخالفته للواقع.^{٤٤}

این بیان، خالی از مسامحه در تعبیر نیست؛ زیرا در مقام بیان شرایط حجیت در خبر تنها قطع به خلاف را ذکر می‌کند و سایر مراتب فقدان وثوق به صدور خبر را ذکر نمی‌کند.

۲. ملاک اعتماد بر خبر توسعه تعبدی: این میزان در نظریه توسعه تعبدی نیز عدم قطع به خلاف نیست، بلکه عدم پیدایش تهمه، یعنی وجود مسامی احراز، از باب وثوق نوعی به نوع خبر است. ب. ملاکات و شرایط حجیت در دلالت خبر: مستند تفسیری، علاوه بر اشتغال بر میزان موجب وثوق از قوت سند، نیازمند دلالتی به میزان قابل اعتماد است. این دلالت یا به نص و صراحت است و یا به ظهور. دلالت خبر زمانی قابل اعتماد است که شرایط حجیت دلالت هر یک از نص و ظاهر محرز باشد. شرایط دلالتی خبر عبارت‌اند از:

۱. عدم مخالفت نصوص و ظواهر حدیث با یقینیات: هر گاه اموری چون: اولیات، بدیهیات، مشاهدات، فطریات، متواترات و حقایق وحیانی و یا هر امر موجب قطع جازم، با مضمون حدیثی مخالفت غیر قابل جمع دلالتی داشته باشد، از مقام اعتبار ساقط خواهد بود.^{۴۵}

۲. احراز عدم اراده معنای خلاف: در دلالت مبتنی بر ظهور، احتمال خلاف به طور وجدانی منتفی نیست، لیکن اگر به طریقی عدم احتمال خلاف، قابل احراز باشد، دلالت ظهوری، حجیت پیدا خواهد کرد. بر این اساس، مستند تفسیری، علاوه بر سند معتبر، نیازمند دلالتی به میزان قابل اعتماد است و چون در ظواهر، احتمال اراده معنای خلاف ظاهر از سوی متکلم، منتفی نیست، حجیت این ظواهر مشروط به کاوش از احتمالات منافی ظهور است تا تطابق مدلول تصویری با مدلول تصدیقی و تطابق اراده استعمالی با اراده جدی احراز گردد.

ویژگی‌ها و شرایط حاکم بر کتاب و سنت و برخی متون دیگر^{۴۶} اقتضا دارد که گونه‌های قراین پیوسته و ناپیوسته مورد ملاحظه قرار گیرند و این نیاز به کاوش و تنقیح دارد.^{۴۷}

فحص از مخصص و دیگر قراین ناپیوسته، باید به میزانی باشد که موجب اطمینان شخصی و یا وثوق نوعی به نبود چنان قراینی باشد. طبیعی است که پیدایش اطمینان و وثوق در موضوعات و موارد متفاوت، تابع میزان قوتی است که هر مورد و گونه‌ای به تناسب خصوصیات موارد می‌طلبد.

۳. عدم تفکیک بین حجیت و تفسیر: البته اگر در آیه مشتمل بر هر گزاره مهم اعتقادی یا غیر اعتقادی، ظهور و دلالتی، از درون آیه یا از حدیث و یا از انضمام این دو، حاصل شود، و قراینی بر خلاف

۴۴. البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۹.

۴۵. ر.ک: همان.

۴۶. مانند قانون نامه‌ها و دیگر متون از این دست.

۴۷. این فحص از احتمال خلاف، معمولاً در محاورات عرفی، منحصر به ملاحظه قراین پیوسته حالی و مقالی است. از این رو، ظواهر حاصل از محاورات عرفی نیاز به تفسیر ندارند؛ زیرا با وضوح کلام در معنای ظاهر و قابل اخذ، نقاب و ابهامی برای کلام باقی نمی‌ماند تا نیاز به تفسیر داشته باشد. بلی در محاورات عرفی نیز اگر قرینه‌های ناپیوسته بر معنای خلاف ظاهر نمایان گردد، اعتبار ظهور یاد شده ساقط می‌گردد.

آن هم نیابیم، می‌توانیم بگوییم این آیه چنین دلالت و ظهوری دارد، ولی این احتمال خلاف هم منتفی نیست؛ اما تا شرط حجیت، یعنی اطمینان شخصی یا نوعی به انتفای احتمال خلاف، پدیدار نشد، نمی‌توان گفت که مراد متکلم منکشف شده است. در نتیجه، نمی‌توان گفت که تفسیر این آیه چنین است: زیرا صدق و صحت اطلاق «تفسیر» متوقف بر صدق تعریف آن، یعنی وضوح و انکشاف مراد خدای متعال است.

عدم تفصیل بین گزاره‌های کلامی و غیر کلامی

در عین تأکید بر ناهمسانی گزاره‌های گوناگون در اقتضای قوت سند و دلالت، لازم به یادآوری است که مقصود از این سخن، آن نیست که همه گزاره‌های کلامی و امور ملحق به آن نیازمند دلیلی قطعی هستند، بلکه در امور اعتقادی نیز مستند تفسیری ما باید به میزانی از قوت سند و دلالت برخوردار باشد که اعتقاد و باور به آن حاصل گردد. و چنان که توضیحش گذشت، پیدایش عقد قلبی به هر امری نیز، نیاز به علم جازم ندارد، بلکه وابسته به میزان اهمیت آن است. از همین روست که اعتقاد قابل تقسیم به اعتقاد جازم و غیر جازم است.^{۴۸} بنابراین، در بیشتر مسائل اعتقادی، با دلایل و مستندات موجب اطمینان یا وثوق عادی عقلایی نیز، مسمای عرفی وضوح و انکشاف - که مدار صدق تفسیر است - حاصل می‌شود. شرط حجیت این ظهور، یعنی فحص از قراین دال بر اراده معنای خلاف ظاهر، نیز معمولاً متناسب با اهمیت مورد، با پیدایش همین وثوق و اطمینان یاد شده تأمین می‌گردد. به فرض تنزل از گفته بالا، می‌توان گفت که اعتقاد با تفسیر مساوی نیست و لاقبل در خصوص تفسیر، نیاز به علم جازم را نمی‌پذیریم؛ زیرا فارغ از امکان و صحت یا عدم صحت اعتقاد به گزاره‌ای، هرگاه به وضوح و ظهور و دلالتی دست یافتیم که مسمای عرفی وضوح و انکشاف مراد متکلم حاصل شد و شرط حجیت این ظهور نیز تحقق یافت، در صحت اطلاق نام تفسیر بر آن منتظر احراز امکان یا صحت اعتقاد به آن گزاره نمی‌مانیم.

بنابراین، دعوی نیاز تفسیر در گزاره‌های کلامی به دلایل مفید علم و قطع، مطلق‌گویی بی‌دلیل است و استدلال‌هایی هم که برایش ذکر می‌کنند، اخص از مدعاست.

آیه الله عبدالله جوادی «دام ظلّه» در ذیل نکته پنج از مبحث «نقش روایات در فهم قرآن» می‌گوید:

روایات... دو گروه‌اند: برخی مربوط به آیات احکام و برخی مربوط به آیات معارف... در معارف...
ظواهر این روایات حجت نیست. روایت... در صورتی حجیت دارد که سه شرط داشته باشد: الف،
از حیث سند قطعی باشد؛ ب، جهت صدور روایت برای بیان معارف واقعی باشد، نه از روی
تقیّه و مانند آن؛ ج، دلالتش نص باشد، نه ظاهر. اگر روایتی در این سه شرط مفید جزم نبود، در
مانند لوح و قلم... و مانند آن که اعتقاد به آنها شرط ایمان نیست، می‌تواند به عنوان احتمال

۴۸. ابن میثم بحرانی: «البیّن فی عرف العلماء هو اعتقاد أنّ الشیء کذا مع اعتقاد أنّه لا یمکن أن لا یكون کذا، و هو اخص من العلم الذی هو اخص من الاعتقاد الجازم المطابق الذی هو اخص من الاعتقاد المطابق الذی هو اخص من مطلق الاعتقاد (شرح منة کلمة، ص ۵۲؛ رک: الحدائق الناضرة، ج ۹، ص ۱۶۰).

ظنی راهگشا باشد و به همین معیار هم می‌توان به صاحب شریعت اسناد داد، ولی نمی‌توان به طور جزم گفت نظر اسلام در این زمینه چنین است؛ چون ادله حجیت خبر واحد مربوط به احکام عملی است که در آنها به ظن معتبر می‌توان اعتماد کرد.^{۳۹}

از بیانات گذشته، وجه درنگ در جمله اخیر ایشان، یعنی قول به اختصاص «ادله حجیت خبر واحد به احکام عملی» نمایان می‌گردد؛ زیرا از مهم‌ترین این دلایل، سیره است که عرف عقلا در حجیت، تمایزی بین احکام عملی و غیر عملی نمی‌گذارند و شارع نیز این سیره را تأیید فرمود. اعتقاد نیز اعم از جزم است. بلی جزم پیدا نمودن به گزاره‌های اعتقادی به دلیل مفید قطع نیاز دارد و این، اختصاص به آیات معارفی ندارد، بلکه جزم به نظر اسلام و به حکم خدای متعال درباره حکم شرعی در مسائل فقهی نیز نیازمند دلیل وافی به قطع جازم است و همین که از حجت عقلائی ما، مسمای عرفی وضوح و انکشاف و دلالت - که موجب صحت اطلاق تفسیر است - حاصل می‌شود و «به همین معیار هم می‌توان به صاحب شریعت اسناد داد»، برای حجیت در تفسیر کافی است؛ گرچه برای اعتقاد جازم یافتن به مفاد آن و یا گفتن «به طور جزم به این که نظر اسلام در این زمینه چنین است»، نیاز به مستند مفید جزم داریم.

نیازمندی گزاره‌های تاریخی به وثوق نوعی

ممکن است پنداشته شود، مورخان در اعتماد بر گزاره‌های تاریخی، مسند بودن و سایر شرایط معتبر در فقه و کلام را شرط نمی‌دانند و در مباحث تاریخی به خبرهای مرسل مورخان نیز، به شرط عدم ظهور قراینی بر خلاف آن، اعتماد می‌شود. لیکن، بی‌آن که این نسبت به عرف مورخان را نفی یا اثبات شود و به فرض وجود چنین سیره‌ای در عرف اهل تاریخ، باید گفت که این سیره فاقد شرایط حجیت در علم تفسیر و سایر وجوه مورد نیاز در شریعت است؛ زیرا اعتبار این سیره نیاز به اثبات استمرار ملموس و مورد توجه آن در عصر معصومان علیهم‌السلام دارد تا سکوت و تأیید آنان دلیلی بر تقریر و امضای چنین سیره‌ای باشد. بی‌شک، فقدان چنین شرطی با عدم اعتبار عرف مزبور مساوی خواهد بود.

نتیجه این که در گزاره‌های تاریخی قرآن نیز نیاز به خبر دارای شرایط اعتبار عقلائی، یعنی مورد وثوق داریم. بلی پیدایش وثوق به معمول گزاره‌های تاریخی، سهل‌تر از گزاره‌های اعتقادی و امور مهمی همانند آن است.

حجیت احادیث تفسیری در تعارض با کتاب و سنت

قواعد کلی در تعارض حدیث با کتاب و سنت

با عنایت به جایگاه کتاب و سنت و نسبتشان به هم و ویژگی‌های هر یک، قواعد کلی حاکم بر تعارض آنها با هم به قرار ذیل هستند:

۱. هر حدیثی که عنوان مخالف قرآن بر آن صادق باشد، از درجه اعتبار ساقط خواهد بود؛
۲. با عنایت به دلایل اعتبار ظواهر و نصوص کتاب و سنت، هرگاه قرآن و حدیث با هم تنافی قابل جمعی داشته باشند، همانند تعارض بدوی دو حدیث با هم جمع می‌شوند؛

۳۹. قرآن در قرآن، ج ۱، ص ۳۹۲، نیز ر.ک: تسنیم در تفسیر قرآن کریم، ج ۱، ص ۱۵۶ - ۱۵۹.

۳. در تعارض، اگر جمع عرفی ممکن نبود، با جمع تبرّعی نمی‌توان مستندی برای تفسیر فراهم نمود. بلی اگر قابل جمع تبرّعی بود، در لحاظ ثبوتی تفسیری منظور می‌گردد، لیکن نام تفسیر بر آن گذاشته نمی‌شود؛ چون کشف المراد صدق نمی‌کند؛
۴. عصمت معصومان و تبعیت کامل آنان از حکم خدای متعال در قرآن کریم و جز آن، معقول نمی‌نماید که خبر قطعی الصدور مخالف قرآن باشد.

حالات و احکام تعارض

تعارض بین نصّ یا ظاهر حدیث قطعی الصدور یا غیر قطعی، با نصّ یا ظاهر قرآن، به هشت حالت قابل تصویر است. این حالات عبارت‌اند از:

الف. تعارض نصّ حدیث قطعی با نصّ قرآنی: به دلیل عصمت معصومان علیهم‌السلام از مخالفت با قرآن و سنت، وقوع چنین صورتی محال است.

ب. تعارض نصّ حدیث غیر قطعی با نصّ قرآنی: حدیث مخالف قرآن باطل بوده، از درجه اعتبار ساقط است.

ج. تعارض نصّ حدیث قطعی با ظاهر قرآنی: در ظواهر قرآنی تصرّف می‌شود و مفاد آیه بر مفاد حدیث حمل می‌گردد؛ یعنی آیه به گونه‌ای تأویل می‌گردد که قابل جمع عرفی با نصّ حدیث باشد؛ زیرا نه در دلالت چنین حدیثی می‌شود تصرّف کرد و سندش قابل خدشه است؛ ولی حجّیت ظاهر آیه مشروط به فحص و احراز عدم قرینه بر خلاف است و با وجود چنین حدیثی شرط حجّیت ظاهر آیه مفقود خواهد بود.

د. تعارض نصّ حدیث غیر قطعی با ظاهر قرآنی: بین مفاد این احادیث، با مفاد آیه به وجهی عرفی جمع می‌شود و آیه با آن تفسیر می‌گردد؛ خواه به صورت حمل ظاهر آیه بر مفاد حدیث باشد و یا حمل آیه بر تعدّد معنا و این که حدیث متکفّل بیان یکی از آن معانی است، و یا با حمل حدیث بر تأویل و تفسیر به بطون، یا وجه جمعی همانند اینها.

این در صورت امکان جمع عرفی بین مفاد احادیث با مفاد آیات است و گرنه، حدیث به عنوان خبر مخالف کتاب، از اعتبار ساقط است.

بلی اگر جمع تبرّعی هم ممکن نبود، حدیث ثبوتاً و اثباتاً قابل طرح و انکار است؛ ولی اگر جمع تبرّعی هر چند بعید ممکن بود، حدیث در مقام اثبات از حجّیت ساقط است، ولی در مقام ثبوت به لحاظ احتمال، هر چند ضعیف، صدور، ردّ و انکار آن روا و احياناً جایز نیست؛ زیرا به عدم صدور و عدم اراده آن معنای تأویلی بعید در جمع تبرّعی قطع نداریم.

ه. تعارض ظاهر حدیث قطعی با نصّ قرآنی: ظاهر حدیث، با مفاد نصّ قرآنی، به گونه‌ای که در مورد قبل اشاره شد، جمع می‌شود؛ زیرا با وجود قطع به صدور حدیث، هر وجه جمع نزدیک‌تری که بتواند آن را در کنار مفاد آیه جمع نماید، عرفی خواهد بود. بلی اگر وجوهی، در مقام جمع، محتمل بود و هیچ یک رجحان متعینی نداشت، در مقام اثبات به لحاظ اجمال بالعرض از حجّیت ساقط می‌گردد، ولی در مقام ثبوت، ردّ و انکارش جایز نیست.

و. تعارض ظاهر حدیث غیر قطعی با نص قرآنی: حدیث غیر قطعی با اعتبار عقلایی، در چنین مواردی در حکم قطعی الصدور است. پس حدیث، با تفصیل یاد شده در موارد پیش، بر معنای موافق قرآن حمل می‌شود.

ز. تعارض ظاهر حدیث قطعی با نص قرآنی: ظواهر حمل بر نصوص می‌شود.

ح. تعارض ظاهر حدیث غیر قطعی با ظاهر قرآنی: با امکان جمع عرفی، حدیث موثوق الصدور، ولی غیر قطعی، در حکم قطعی الصدور است. پس ظاهر هر دو دلیل حجت‌اند و با هم جمع می‌شوند؛ زیرا تا مانعی از حجیت ظهورشان احراز نشود، ظهور هر دو حجت خواهد بود. با امکان جمع نیز مانعی برای حجیت این ظهور پدید نمی‌آید؛ نظیر دو حدیث قابل جمع.

ممکن است پنداشته شود که ظاهر قرآن بر ظاهر حدیث حمل می‌گردد؛ چون حدیث از نظر شأنی حاکم، یعنی ناظر و مفسر آیه است و همواره ظهور دلیل حاکم قوی‌تر از ظهور دلیل مقابل است؛ به دلیل مقام مفسر بودن و نظر داشتن به آن. لیکن چنین نیست؛ زیرا اگر حدیث نسبت به آیه شأن مفسر و ناظر را داشته باشد، باید بیان کننده آن باشد و لازمه‌اش امکان جمع عرفی خواهد بود. پس چنین حدیثی نمی‌تواند شأن مفسر و ناظر را داشته باشد، بلکه به عنوان حدیث مخالف کتاب، در مقام اثبات از اعتبار ساقط خواهد بود. حکم مقام ثبوت نیز از توضیحات گذشته نمایان می‌شود.

حالات و احکام تعارض حدیث تفسیری با سنت

هر آنچه در حالات و احکام تعارض حدیث با قرآن بیان شد، در تعارض حدیث تفسیری با سنت، یعنی با احادیث مسلم معصومان علیهم‌السلام نیز جاری خواهد بود.

جایگاه احادیث نامعتبر در تفسیر

گونه‌های احادیث نامعتبر

الف. ضعف اصطلاحی: هرگاه حداقل یک نفر از راویان زنجیره سند، در نقل دارای وثاقت یا حسن حال نباشند، سند حدیث در اصطلاح ضعیف شمرده می‌شود؛ خواه آن راوی ناشناخته باشد و ذکر آن از او در کتب رجال نیامده باشد، یا نامش، بدون هیچ مدح و تنقیصی، ذکر شده باشد، و یا گفته باشند که او «مجهول» است و یا الفاظ و عبارت دال بر تضعیف و نکوهش درباره او وارد شده باشد.

ب. احادیث مورد اعراض: احادیث دارای سند صحیح و یا در حکم صحیح که مشهور اصحاب از عمل و اعتماد به آنها اعراض نموده باشند.

ج. احادیث مخالف کتاب: حدیثی که در تعارض، غیر قابل جمع مقبول عرفی، با قرآن کریم باشد، از درجه اعتبار ساقط خواهد بود؛ گرچه اگر قابل جمع تبرعی، هر چند بعید، باشد، رد و انکار آن حدیث را مجاز نمی‌شماریم، و بسا از آن دفاع ثبوتی هم بنماییم، ولی در مقام اثبات ارزشی برایش قایل نخواهیم بود.

د. احادیث مخالف سنت: هرگاه حدیثی با سنت قطعی، یعنی احادیثی که صدورشان از معصومان علیهم‌السلام مسلم است، در تعارض باشد، از درجه اعتبار ساقط خواهد بود؛ اگرچه اصطلاحاً صحیح السند باشد. همین

طور، اگر حدیثی با احادیث دیگر در تعارض باشد، و شرایط و شؤون معارضه به گونه‌ای باشد که آن حدیث را از درجه اعتبار ساقط گرداند؛ گرچه ممکن است حدیث معارض دیگر نیز از یقینیات و مسلمّات سنّت نباشد و یا حتّی اعتبار آن نیز ثابت نباشد.

ه. حدیث مخالف یقینیات: اعمّ از اولیات، بدیهیات، مشاهدات، فطریات، متواترات. بلکه هر حدیثی که قطع جازم به عدم صدور آن و نادرستی مضمونش باشد، از اعتبار در نزد قاطع به چنان قطعی ساقط خواهد بود.^{۵۰}

احادیث نامعتبر بر دو دسته‌اند:

یک. احادیثی که به عدم صدور آن و نادرستی مضمونشان قطع باشد. این دسته احادیث، هم انکارشان جایز است و هم تا قطع مزبور باقی است، فایده‌ای بر آنها بار نمی‌شود؛^{۵۱} گرچه، با عنایت به جهل مرکّب بودن بسیاری از موارد قطع، تا نیاز و ضرورتی اقتضا نداشت، بهتر است انسان از ردّ و انکار احادیث بپرهیزد.^{۵۲}

دو. احادیثی که به عدم صدور و نادرستی مفادشان قطع نباشد، ولی فاقد اعتبار باشند. باید توجّه داشت که:

اولاً، حدیث ضعیف، هر چند اگر راوی آن از بدنام‌ترین وضّاعان باشد، مساوی با حدیث مجعول نیست. از این رو، تا اطمینان به مجعول بودن آنها نباشد، انکارشان مجاز نخواهد بود. ثانیاً، این دسته از احادیث به رغم ضعف سند، ممکن است دارای فوایدی باشند که ذیلاً به برخی اشاره می‌شود:

فواید احتمالی احادیث تفسیری نامعتبر^{۵۳}

از تفاوت‌های اساسی بین احادیث تفسیری با دیگر گونه‌های حدیثی این است که سایر احادیث باید خود دلالت کافی بر مفاد خویش داشته باشند؛ بر خلاف احادیث تفسیری که پنجره دلالت آیات را در کنار پنجره دلالتی الفاظ خود دارند؛ بخصوص با عنایت به این که مستفاد از آیات و روایات مربوط به شأن رسول خدا ﷺ و اهل بیت علیهم السلام این است که آنان تبیان کتابی هستند که خود «نَبِیْنًا لِكُلِّ نَبِیٍّ» است؛ یعنی شأن آنان «تبیین» کتاب است، به گونه‌ای که کتاب برای خود امت تبیین یابد و هر کس به فراخور ظرفیتش، بتواند از آن بهره گیرد؛ یعنی به آنان راه رفتن در وادی تفسیر آموخته شود، نه آن که آنان را در وادی تفسیر راه ببرند.

پس اصل در حدیث تفسیری این است که آیات را به گونه‌ای تفسیر نمایند که در پرتو تبیین معصومان علیهم السلام معانی آیات، برای خود مخاطب نمایان گردد.

۵۰. ر.ک: البیان فی تفسیر القرآن، ص ۳۹۹.

۵۱. مگر برخی فواید تعلیمی در نمایاندن گونه‌های احادیث مجعول و معرفی و رسوا ساختن وضّاعان حدیث و ...

۵۲. «فإن أكثر الحق فی ما تنكرون» (نهج البلاغه، ج ۸۷؛ رسائل الشیخ، ج ۲۷، ص ۱۶۰، ح ۳۳۴۸۲).

۵۳. فواید اثباتی و نبوتی مرتّب بر احادیث ضعیف را در مقاله‌ای دیگر بررسی نمودیم (ر.ک: «دو رویکرد نبوتی و اثباتی در نقد حدیث»). در اینجا تنها به فواید مزبور در حوزه تفسیر اشاره می‌کنیم.

اینجاست که موافقت و عدم موافقت حدیث با آیه و تناسب معنایی و رابطه مفسر و مفسر میان آن دو، بویژه برای دانشوران کارآزموده و آشنای با شیوه‌های تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام، از روشن‌ترین آیینه‌ها و قراین موجب تقویت یا احياناً تضعیف دلالتی حدیث خواهد بود.

این ویژگی کار بهره‌گیری از احادیث تفسیری و تمییز سره از ناسره راه نسبت به دیگر گونه‌های حدیثی، از چپتی،^{۵۴} سهل‌تر می‌نماید.

با این نگاه، به برخی فواید مترتب بر احادیث تفسیری نامعتبر، اشاره می‌کنیم:

الف. استناد به ضعیف پس از تبیین: از جمله، ملاحظه موافقت آن حدیث با کتاب و سنت قطعی و یا تعاضد مضمونی آن با احادیث دیگری که با آن هم‌پوشانی دارند، بویژه اگر در مجموع به حد استفاضه برسند.

ب. کشف حقایقی که تصورشان موجب تصدیقشان است: بسا حدیثی که موجب کشف حقایقی گردد که تصور آنها با تصدیقشان همراه است، لیکن، عموماً یا غالباً، خود مردم نخست، از درک چنان حقایقی عاجزند؛^{۵۵} به عنوان نمونه، بسا آیه‌ای در دلالت بر معنایی، متکی بر برخی قراین حال نزول بوده که بر پسینان پنهان مانده باشد و توجه یافتن ما بدان قرینه مسلم، معنای مزبور را برای ما نمایان سازد؛ به نحوی که پس از پیدایش خراش ذهنی، تصور آن برای تصدیقش کافی باشد.

ج. جرقة آغازین کشفیاتی ارزشمند: بسا حدیثی جرقة آغازین کشفیاتی ارزشمند گردد؛ زیرا ممکن است، احادیثی که اعتبارشان به اثبات نرسیده، بویژه ضعیف قویه - که احتمال صدورشان از معصوم چندان ضعیف نیست - مشتمل بر حقایقی علمی باشند. نگاه ثبوتی به ارزش احتمالی مفاد چنین احادیثی و بی‌گیری این احتمالات و یا در نظر داشتن آنها در دراز مدت، بسا منتهی به کشف حقایقی بس ارزشمند گردد.

د. رب حامل فقه إلی من هو أفقہ منه: ممکن است حدیثی، صحیح یا غیر صحیح، دارای مضمونی شاد یا مشتمل بر مشکلی دلالتی باشد و در مقام اثبات نتوانیم به مضمونش عمل کنیم و از آن بهره جوییم، لیکن رواست، احتمال بدهیم که بسا بلندی مفاد حدیث، آن را مشکل نموده و از سطح اندیشه معمول پژوهشیان فراتر برده، ولی امید است، در حال یا آینده، آن حدیث به دست کسانی برسد که گره از کارش بکشایند و به ژرفا و درستی معنایش پی ببرند.

ه. کاربرد در بخش احکام غیر الزامی: از جمله فواید آنها کاربرد در بخش آیات فقهی متضمن احکام غیر الزامی.^{۵۶}

کتابنامه

- *اجود التقریرات*، سید ابوالقاسم موسوی خویی، تقریرات دروس محقق نایینی، صیدا: مطبعة العرفان،

۱۳۵۲ق.

۵۴. البته دستیابی به شیوه‌های تفسیری اهل بیت علیهم‌السلام کاری است سخت دقیق و نیازمند به سالیانی ممارست و بلکه زندگی کردن در پرتو آن؛ به نحوی که شنا در بحر احادیث تفسیری، خود کاری سهل و ممتنع شمرده می‌شود.

۵۵. رک: مناقب آل امی طالب، ج ۳، ص ۵۲۶؛ *بهار الأنوار*، ج ۱۰، ص ۳۹۲، ح ۱ و ج ۵۰، ص ۳۱۱، ح ۶؛ «لآته رجل یفهم إذا سمع».

۵۶. رک: «نظریه توسعه تبدی سیره عقلا در حجیت خبر»، بحث «تسامح در ادله سنن» و «احادیث من بلخ».

- البرهان فی علوم القرآن، ابو عبدالله محمد بن بهادر بن عبدالله زرکشی، تحقیق: ابوالفضل ابراهیم، بی جا: دار احیاء الکتب العربیة، ۱۳۷۶ق.
- البیان فی تفسیر القرآن، سید ابوالقاسم موسوی خویی، قم: مؤسسه احیاء آثار السید الخوئی.
- تاج العروس من جواهر القاموس، محمد بن محمد مرتضی حسینی زبیدی (م ۱۲۰۵ق)، تحقیق: علی شیری، بیروت: دارالفکر، اول، ۱۴۱۴ق.
- تسنیم در تفسیر قرآن کریم، عبدالله جوادی آملی، تنظیم و ویرایش: علی اسلامی، قم: مرکز نشر اسراء، دوم، ۱۳۷۹ش.
- التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، محمدهادی معرفت، مشهد: جامعه العلوم الاسلامیة، ۱۴۲۵ق.
- الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، شیخ یوسف بحرانی (م ۱۱۸۶ق)، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۶۳ش.
- حقائق الاصول، سید محسن حکیم (م ۱۳۹۰ق)، قم: بصیرتی، ۱۴۰۸ق.
- الخصائص، عثمان بن جنی ابوالفتح (م ۳۹۲ق)، تحقیق: محمدعلی التجار، قاهره: دارالکتب المصریة، اول، ۱۳۷۴ق.
- دروس فی علم الاصول، سید محمدباقر صدر (م ۱۴۰۰ق)، بیروت: دارالکتاب البنانی، دوم، ۱۴۰۶ق.
- الرائد فی علم الاصول، سید منیر سید عدنان قطیفی، قم: مهر، اول، ۱۴۱۴ق.
- شرح اصول الکافی، ملا محمد صالح مازندرانی (م ۱۰۸۱ق)، با تعلیقه میرزا ابوالحسن شعرانی، بی جا، بی تا.
- شرح شافیه ابن الحاجب، شیخ رضی استرآبادی معروف به نجم الاثمة، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۵ق.
- شرح المنة كلمة لأمر المؤمنین عليه السلام، ابن میثم بحرانی، تصحیح و تعلیق: میرجلال الدین حسینی أرموی محدث، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- عوالمی اللآلی العزیزية فی الأحادیث الدینیة، محمد بن علی بن ابراهیم احسانی معروف به ابن ابی جمهور (م ۸۸۰ق)، تحقیق: شیخ مجتبی عراقی، قم: مطبعة سید الشهداء عليه السلام، اول، ۱۴۰۳ق.
- فرائد الاصول، شیخ مرتضی انصاری (م ۱۲۸۱ق)، قم: دارالاعتصام، اول، ۱۴۱۶ق.
- الفوائد المدنیة، ملا محمد امین استرآبادی (م ۱۰۳۳ق)، تحقیق: رحمت الله رحمتی اراکی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۲۴ق.
- قرآن در قرآن، عبدالله جوادی آملی، تنظیم و ویرایش: محمد محرابی، قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ش.
- قرب الاستاد، ابوالعباس عبدالله بن جعفر حمیری قمی (م ۳۸۱ق)، تحقیق و نشر: قم: مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، اول، ۱۴۱۳ق.
- قوانین الاصول، میرزا ابوالقاسم قمی (م ۱۲۳۱ق)، سنگی.
- الكتاب، ابو بشر عمرو سیبویه، قم: نشر ادب الحوزة، اول، ۱۴۰۴ق.

- كفاية الاصول، شيخ محمد كاظم خراساني، قم: مؤسسة النشر الاسلامي، اول، ١٤١٢ق.
- لسان العرب، ابن منظور، تصحيح: امين محمد عبدالوهاب و محمد صادق عبيدي، بيروت: دار احياء التراث العربي، اول، ١٤١٦ق.
- نهاية الافكار، شيخ محمدتقي بروجردي، تقريرات درس هاي آقا ضياء الدين عراقى، قم: مؤسسة النشر الاسلامي.
- مجمع البيان لعلوم القرآن، امين الدين ابوالفضل طبرسي (م ٥٦٠ق)، بيروت: دارالمعرفة، ١٤٠٦ق.
- المحتسب في تبين وجوه شواذ القراءات، ابوالفتح عثمان بن جنى (م ٣٩٢ق)، قاهره، ١٣٨٦ق.
- المحيط في اللغة، صاحب بن عباد (٣٢٤ - ٣٨٥ق)، تحقيق: محمد حسن آل ياسين، بيروت: عالم الكتب، اول، ١٤١٤ق.
- المخصص، على بن اسماعيل نحوى (م ٤٥٨ق)، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- مدخل التفسير، محمد فاضل موحدى لنكراني، قم: دفتر تبليغات اسلامي، ١٤١٢ق.
- مصباح الاصول، تقريرات محمد سرور واعظ حسيني بهسودي، قم: مكتبة الداوري، ١٤١٢ق.
- المصباح المنير في غريب الشرح الكبير للرافعي، احمد بن محمد بن علي مقرئ فيومي، قم: دارالهجرة، اول، ١٤٠٥ق.
- معالم الدين و ملاذ المجتهدين، حسن بن زين الدين عاملي (م ١٠١١ق)، قم: مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامي.
- معجم تهذيب اللغة، محمد بن احمد ازهرى (٢٨٢ - ٣٧٠ق)، ترتيب و تحقيق: رياض زكى قاسم، بيروت: دارالمعرفة، اول، ١٤٢٢ق.
- معجم الفروق اللغوية، ابوهلال عسكرى و سيد عبدالله جزايرى، قم: مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامي، ١٤١٢ق.
- معجم مقاييس اللغة، احمد بن فارس، تحقيق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مركز النشر التابع لمكتب الاعلام الاسلامي، ١٤٠٤ق.
- المفردات في غريب القرآن، راغب اصفهاني (م ٥٠٢ق)، قم: نشر الكتاب، دوم، ١٤٠٤ق.
- مناقب آل ابي طالب، ابن شهر آشوب (م ٥٨٨ق)، تحقيق: جماعة من اساتذة النجف الاشرف، نجف اشرف: مطبعة الحيدرية، ١٣٧٦ق.
- نهج البلاغة (من كلام امير المؤمنين عليه السلام)، شريف رضى (م ٤٠٦ق)، تحقيق: دكتور صبحى صالح، قم: دارالهجرة.
- وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، حر عاملى (م ١١٠٤ق)، قم: مؤسسة آل البيت عليه السلام لاهياء التراث، دوم، ١٤١٦ق.
- «نظريه توسعه تبدي سيره عقلا در حجيت خبر واحد»، محمد احساني فر لنگرودى، فصلنامه علوم حديث، ش ٤٢.